

تأمین می‌کردند؛ برخی روحانیون مواد سوختی و غذایی افراد نیازمند را از طریق مساجد توزیع می‌کردند؛ روحانیون دیگری هم با گردآوری مردان جوان اغلب از محله‌های پرجمعیت فقیرنشین، نیروی مسلحی تشکیل دادند که بعدها به سپاه پاسداران معروف شد. گروه‌های داوطلب مذهبی که معمولاً مراسم سوگواری ماه محرم را سامان می‌دادند، اکنون مسئول انتظامات تظاهرات سیاسی بودند و اصناف بازار و بیشتر کمیته‌های اعتصاب که در کارخانه‌های بزرگ تشکیل شده بودند، فعالیت‌های خود را با کمیته شهر هماهنگ می‌کردند. در واقع، این کمیته به شهر حاکم بود زیرا مواد غذایی پخش می‌کرد، قیمت‌ها را تعیین می‌نمود، مجری قوانین راهنمایی و رانندگی بود و مهم‌تر از همه این‌که دادگاه‌های شرع را احیا می‌کرد تا مجری نظم و قانون باشند.» (آبراهامیان، ۱۳۷۷).

این حرکت‌های خودجوش از پایین، بعدها هسته شکل‌گیری شماری از نهادهای دولت بعد همچون دادگاه انقلاب اسلامی، کمیته‌های انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بسیج مستضعفان، شوراهای کارگری و جهاد سازندگی را فراهم کردند.

یکی از علل توفیق نسبی جمهوری اسلامی در روند ساخت دولت، بسیج و تکیه گسترده بر نیروهای مردمی بود. این امر نه تنها بحران مشروعیت و تنفیذ را که در گذشته دولت با آن روبه‌رو بود، از بین می‌برد بلکه به سرعت کار هم می‌افزود. پاره‌ای از گروه‌های اجتماعی همچون ایالت و عشایر حتی تا پایان پهلوی دوم همچنان به صورت بلوک‌های نفوذناپذیری باقی مانده بودند و حکم دولتی تنها به‌رأس هرم ابلاغ می‌شد اما در زمان جمهوری اسلامی، سران ایالت از بین رفتند و به جای آن‌ها نهادهای انقلابی مانند بسیج عشایر شکل گرفت. این نمونه، گویای تلفیق دوراها کار اقدار گرایانه و دموکراتیک به بهترین وجه است. (نقیب‌زاده، ۱۳۸۶)

باید توجه داشت که در الگوی نهادسازی از پایین، رجوع به بافت ارزشی و هنجاری بومی جامعه، همراهی و جلب مشارکت گسترده عمومی و تطبیق پذیری کارکردی نهادها در مواجهه با شرایط متغیر انقلابی به روشنی نمایان است و موفقیت کارکرد نهادسازی را رقم زده است.

## توده‌ای‌ترین انقلاب قرن بیستم

در پایان باید اشاره کرد که روند ساخت دولت در همه جا با شکل‌گیری نهادهای ویژه‌ای همراه است که قدرت در آن‌ها متمرکز و اعمال می‌گردد. به ویژه ساختن دولت مدرن بر پایه اصولی همچون استقلال قوا و پاسخ‌گویی صاحبان قدرت، نهادسازی در روند ساخت دولت رابیش از پیش اهمیت می‌بخشد تا به کارگیری قدرت تا حد امکان از دایره سلیقه و انگیزه‌های ارباب قدرت خارج گردد و تابع حدود و قیودی مشخص گردد.

انقلاب‌های بزرگ اجتماعی با درهم شکستن نظم سیاسی قدیم عرصه گسترده‌ای را برای پایه‌ریزی نهادهای جدید در عرصه سیاست فراهم می‌کنند و انقلاب اسلامی در ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده است؛ با این همه، واقعیت این است که انقلاب در ایران ویژگی ممتازی دارد و آن حضور فراگیر اقشار مختلف مردم در مخالفت با رژیم گذشته و پایه‌ریزی نظم سیاسی جدید است. به همین علت است که انقلاب ایران را توده‌ای‌ترین انقلاب قرن بیستم خوانده‌اند.

یکی دیگر از ویژگی‌های جالب توجه انقلاب ایران، خاستگاه اجتماعی بومی و سنتی نخبگان دولت‌سازان و ماهیت ویژه جنبش انقلابی است که در طیف اکثریت مذهبی بر پایه شبکه نهادها و تعاملات سنتی درون جامعه سازمان پیدا کرده و بسیج شده بود. این عوامل سبب شد روند پرمخاطره ساخت نهادهای جدید دولت در سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب ویژگی خاصی پیدا کند که از آن با عنوان «نهادسازی از پایین» یاد شد.

دولت و نظام سیاسی تازه تأسیس پس از انقلاب به محض تولد با طیف گسترده‌ای از بحران‌های داخلی و خارجی روبه‌رو شد و کمتر ناظری استمرار حیات آن را پیش‌بینی می‌کرد. دست‌کم یکی از عوامل مهم قابلیت بالای نظام انقلابی در مهار و مدیریت بحران‌های متعدد پیش‌رو را باید موفقیت این دولت در نهادسازی ذکر کرد. «نهادهای دولتی مردم‌پایه‌ای» که به وجود آمدند، کار بسیج نیروها و امکانات کشور را برای مقابله با بحران‌ها و پیشبرد اهداف انقلاب با موفقیت بالایی به انجام رساندند. ▶